



دانشگاه پیام نور

مرکز تهران

(دانشگاه علوم انسانی)

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق خصوصی

عنوان:

**مقایسه تابعیت در قوانین ایران و کانادا با تأکید بر  
طرق جلوگیری از تابعیت مضاعف**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حسین آل کجباف

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عبدالرسول دیانی

نگارش:

محمد حسین گودینی

بهمن ماه ۱۳۹۰



تقدیم به:

همسر و فرزندانم عزیزم علی و حدیث



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مجمع علوم انسانی



دانشگاه پیام نور  
دانشگاه پیام نور استان تهران  
المعلم علی اکبر انجمن و اندیشه انفسر

شماره .....  
تاریخ .....  
پیوست .....

تصویب نامه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش خصوصی  
تحت عنوان:

مقایسه تابعیت در قوانین ایران و کانادا با تاکید بر طرق جلوگیری از تابعیت مضاعف

نام خانوادگی: محمد حسین  
شماره پروژه: ۱  
شماره دانشجویی: ۸۶۷۱۰۵۳۸۳  
گودینی: ۱  
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۱/۳۰  
ساعت: ۱۶-۱۵:۳۰  
نمره: ۱۷ (هفده و نیم)  
درجه ارزشیابی: بسیار خوب  
هیات داوران:

داوران	نام	نام خانوادگی	کد استادی	مرتبه علمی	امضاء
راهنما	حسین	ال کجیاب	۳۸۶۴۴		
راهنمای دوم	.	.	.		
مشاور	عبدالرسول	دیانی	۳۹۰۸۶۶۳		
مشاور دوم	.	.	.		
داور	محمد یار	ارشدی		"	
داور دوم	.	.			

تهران، خیابان استاد نجات الهی  
نرسیده به خیابان کریمخان زند  
چهارراه سیند، پلاک ۲۳۳  
تلفن: ۸۸۸۰۱۰۹۰  
دورنگار: ۸۸۸۹۰۵۳۶

WWW.TPNU.AC.IR  
ensani@tpnu.ac.ir

## فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	چارچوب کلی پژوهش
۲.....	مقدمه
۲.....	طرح مسئله
۳.....	اهداف تحقیق
۳.....	سوالهای تحقیق
۳.....	فرضیه تحقیق
۴.....	سابقه تحقیق
۴.....	الف) کتب
۴.....	ب) پایان نامه
۵.....	۴ روش تحقیق
۵.....	سازماندهی تحقیق
<b>فصل اول: تابعیت</b>	
۷.....	گفتار اول: مقدمه‌ای بر تابعیت
۸.....	گفتار دوم: تعریف تابعیت
۹.....	گفتار سوم: شرایط تحقق تابعیت
۱۱.....	گفتار چهارم: اصول تابعیت
۱۱.....	۱- اصل لزوم
۱۲.....	۲- اصل وحدت تابعیت
۱۳.....	۳- اصل تغییر پذیری تابعیت
۱۳.....	گفتار پنجم: تاریخچه تابعیت
۱۴.....	گفتار ششم: تاریخچه تابعیت در ایران از ابتدا تاکنون
۱۷.....	گفتار هفتم: تابعیت، مهاجرت و جهان بدون مرز
۱۹.....	گفتار هشتم: ویژگیهای تابعیت
۲۲.....	گفتار نهم: آثار حقوقی تابعیت
۲۴.....	گفتار دهم: انواع تابعیت

## فصل دوم: تابعیت مضاعف

- گفتار اول: علل و عوامل ایجاد تابعیت مضاعف ..... ۳۰
- گفتار دوم: طرق جلوگیری از تابعیت مضاعف ..... ۳۳
- گفتار سوم: اقدامات سازمانهای بین‌المللی برای کاهش موارد تابعیت مضاعف ..... ۳۶
- گفتار چهارم: سابقه تاریخی تابعیت مضاعف ..... ۳۸
- گفتار پنجم: رویه قضایی بین‌المللی از سال ۱۹۳۰ تاکنون ..... ۴۰
- ۱- رویه قضایی بین‌المللی از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۵ میلادی ..... ۴۰
- ۲- رویه قضایی بین‌المللی از سال ۱۹۵۵ میلادی تاکنون ..... ۴۱
- گفتار ششم: نگاهی به تعهد ملی و مسئله تابعیت مضاعف ..... ۴۲

## فصل سوم: راههای تحصیل تابعیت ایران

- گفتار اول: تحصیل تابعیت ایران براساس عمل متقابل (رفتار متقابل) ..... ۴۵
- گفتار دوم: تحصیل تابعیت به وسیله ازدواج ..... ۴۶
- گفتار سوم: تحصیل تابعیت ایران از طریق درخواست و پذیرش دولت ..... ۴۷
- گفتار چهارم: موضوعات مربوط به دریافت تابعیت ایران ..... ۴۷

## فصل چهارم: نگاهی به کشور کانادا

- گفتار اول: موقعیت جغرافیایی کشور کانادا ..... ۵۲
- گفتار دوم: سیاست، دولت و قانون در کانادا ..... ۵۴
- گفتار سوم: تقسیمات کشوری کانادا ..... ۵۶
- گفتار چهارم: جمعیت، فرهنگ و زبان ..... ۵۸

## فصل پنجم: نگاهی به شیوه های قانونی و نامتعارف مهاجرت به کانادا

- گفتار اول: مهاجرت قانونی اعطایی به کشور کانادا ..... ۶۲
- ۱- مهاجرت به کانادا به شیوه سرمایه‌گذاری ..... ۶۳
- \* استان انتاریو (Ontario) ..... ۶۴
- \* استان نیوفوندلند و لابرادور (New found land and Labrador) ..... ۶۴
- \* استان بریتیش کلمبیا (British Colombia) ..... ۶۵
- \* استان مانیتوبا (Manitoba) ..... ۶۶
- \* استان نیوبرونزویک (New Brunswick) ..... ۶۶
- \* استان پرنس ادوارد آیلند (Prince Edward Island) ..... ۶۶
- گفتار دوم: مهاجرت سرمایه‌گذاری استان کبک ..... ۶۷
- ۱- سرمایه‌گذاری مستقیم ..... ۶۷
- ۲- خوداشتغالی ..... ۶۸
- ۳- کارآفرینان ..... ۶۸
- گفتار سوم: مهاجرت سرمایه‌گذاری دولت فدرال ..... ۶۹
- ۱- سرمایه‌گذاری مستقیم ..... ۶۹
- ۲- خوداشتغالی ..... ۶۹
- ۳- کارآفرینان ..... ۷۰
- گفتار چهارم: مهاجرت به کانادا به شیوه دائم متخصصین ..... ۷۰

- ۱- مهاجرت دائم متخصصین استانی ..... ۷۰
- ۲- مهاجرت دائم متخصصین استان کبک ..... ۷۰
- ۳- مهاجرت دائم متخصصین دولت فدرال ..... ۷۱
- گفتار پنجم: مهاجرت به کانادا به شیوه فامیلی ..... ۷۱
- گفتار ششم: مهاجرت قانونی اکتسابی به کشور کانادا ..... ۷۲
- ۱- مهاجرت به کانادا به شیوه متخصصین قراردادی موقت ..... ۷۲
- ۲- روش مهاجرت خدمتکاران و پرستاران خانگی ..... ۷۲
- ۳- مهاجرت به کانادا از طریق اخذ پذیرش دانشجویی و تحقیقاتی ..... ۷۳
- ۴- مهاجرت توریستی به کانادا ..... ۷۳
- گفتار هفتم: مهاجرت های نامتعارف به کشور کانادا ..... ۷۳
- ۱- مهاجرت نامتعارف به شیوه سرمایه گذاری ..... ۷۴
- ۲- مهاجرت نامتعارف به شیوه دائم متخصصین ..... ۷۴
- ۳- مهاجرت های نامتعارف به شیوه فامیلی ..... ۷۴
- گفتار هشتم: مهاجرت های نامتعارف اکتسابی به کشور کانادا ..... ۷۵
- ۱- مهاجرت نامنظم متخصصین قرارداد موقت ..... ۷۵
- ۲- مهاجرت نامنظم از طریق اخذ پذیرش دانشجویی و تحقیقاتی ..... ۷۵
- ۳- مهاجرت نامنظم توریستی ..... ۷۶

#### فصل ششم: تابعیت در کانادا

- گفتار اول: تاریخچه تابعیت و مهاجرت در کانادا ..... ۷۸
- گفتار دوم: تابعیت کانادا به یکی از طرق زیر به اشخاص اعطا می شود ..... ۸۰
- گفتار سوم: راه های تحصیل تابعیت کانادا از سال (۱۹۴۷) میلادی تا (۱۹۷۷) میلادی ..... ۸۱
- گفتار چهارم: راه های از دست دادن تابعیت کانادا ..... ۸۳
- گفتار پنجم: چگونگی تحصیل تابعیت کانادا بر اساس قانون سال (۱۹۷۷) میلادی ..... ۸۴
- گفتار ششم: مقایسه قانون تابعیت کانادا با قانون تابعیت ایران با تأکید بر طرق جلوگیری از تابعیت مضاعف ..... ۸۶
- گفتار هفتم: مقایسه راه های تحصیل تابعیت ایران از دیدگاه قانون مدنی با راه های کسب تابعیت کانادا مطابق قانون تابعیت کانادا (۱۹۷۷) میلادی ..... ۹۷
- گفتار هشتم: نگاهی به علل و عوامل اعطاء تابعیت مضاعف به اتباع بیگانه از طرف کانادا و بررسی مهاجر پذیر بودن آن کشور ..... ۹۹
- گفتار نهم: پیشنهاداتی در خصوص راه های جلوگیری از تابعیت مضاعف ..... ۱۰۳
- نتیجه گیری ..... ۱۰۶
- کتابنامه ..... ۱۰۷

## چکیده

تابعیت یکی از مباحث کلیدی و تقریباً جدید از لحاظ کاربرد در حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشد، اکثر مهاجران و متقاضیان تابعیت از معنا و مفهوم حقوقی و سیاسی «تابعیت» متأثرند. در دوران قدیم به اندازه کنونی به تابعیت و حواشی آن توجه و تأکید نمی‌شد؛ ولی در قرون اخیر بخاطر رشد تکنولوژی‌های ارتباطی، هواپیما، کشتی، خودرو، قطار و سایر وسایل ارتباطی، فاصله بین کشورهای دوردست کاهش یافته‌است. این امر باعث کاربرد فراوان و زیاد واژه تابعیت شده و در کنار آن مطالعات فراوانی در این خصوص انجام گرفته‌است؛ هرچند هنوز دولت‌ها به نتیجه واحدی درباره تابعیت نرسیده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد جابجایی، حرکت و مهاجرت انسانها در دنیا باب جدیدی را در حقوق بین‌المللی گشود، که جایگاه ویژه‌ای در روابط بین‌الملل به خود اختصاص داده‌است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در این راستا جامعه جهانی تلاش کرده و در واقع به طرفی می‌رود که هیچ کس بدون تابعیت (آپاترید) نباشد. چرا چون افراد بدون تابعیت در حقیقت از حمایت سیاسی، حقوقی و... کشورها و دولت‌ها بی‌نصیب خواهند بود. لذا اصل بر آن است که همه انسان‌ها باید دارای تابعیت باشند. فلذا همان‌گونه که بی‌تابعیتی غیرعادی نشان می‌دهد، داشتن چند تابعیت نیز (تابعیت مضاعف) غیر طبیعی است. زیرا عادلانه نیست که یک نفر از مزایای چند تابعیت بهره‌مند شود. لذا نظام‌های سیاسی و حقوقی دنیا تلاش می‌کنند تا از گسترش تابعیت مضاعف جلوگیری کنند؛ زیرا تابعیت واحد باعث مشخص شدن تکلیف صاحب آن در داخل نظام سیاسی و روابط بین‌الملل شده و فرد از حمایت مستمر و بی‌قید و شرط دولت متبوعش برخوردار خواهد شد؛ ولی در تابعیت مضاعف این گونه افراد دارای وضعیت ثابت و متعادل نیستند، و چه بسا منافع این گونه اشخاص در رقابت‌های سیاسی و اختلافات بین‌المللی قربانی شود.

در این اثر تلاش می‌شود تا ابتدا تاریخچه‌ای از تابعیت، انواع تابعیت، بررسی تابعیت مضاعف، نگاهی به تابعیت در ایران و کانادا، راههای جلوگیری از تابعیت مضاعف، علت‌های ایجاد تابعیت مضاعف و... بررسی و تحلیل شود.



## چارچوب کلی پژوهش

### مقدمه

موضوع تابعیت از دیرباز مورد توجه و تأمل قرار گرفته است. هرچند این پدیده در قدیم دارای بار حقوقی و جایگاه ویژه کنونی نبود، ولی در عصر ما تابعیت دارای اهمیت بسیار بالا و موثر بر منافع ملی و امنیت کشورها می‌باشد. بنابراین دولت‌ها نسبت به آن بی‌تفاوت نیستند، و اکثر کشور دارای مکانیسم‌های معین و مشخص برای تعیین تابعیت خود و یا دارای قواعد و مقررات خاص و مدون در زمینه اعطاء تابعیت به اتباع دیگر کشورها هستند. بنابراین در شرایط عادی بدون مشخص بودن وضعیت اشخاص از لحاظ ملیت و تابعیت ورود آنها به هر کشور با مشکل مواجه خواهد شد، زیرا شناسایی، کنترل و رصد افراد فاقد تابعیت دشوار است، از طرفی در عصر ما پدیده‌هایی چون تروریسم، قاچاق مواد مخدر، تجارت انسان و ... بر اهمیت مشخص بودن تابعیت انسانها صحنه گذاشته است.

### طرح مسئله

اگرچه سابقه تابعیت نگاه کنیم خواهیم دید، که این واژه دارای سابقه‌دیرین در تاریخ بشر می‌باشد؛ اما این واژه به خاطر تغییرات قرن ۲۰ و ۲۱ دارای اهمیت مضاعف شده است، بطوری که به یکی از مباحث کلیدی روابط بین‌المللی تبدیل شده است. ما در این تحقیق به دنبال راه‌های جلوگیری از تابعیت مضاعف و نگاهی به مقوله تابعیت در قوانین ایران و کانادا هستیم. بنابراین تلاش می‌کنیم تا مزایا و معایب تابعیت مضاعف برای افراد دو تابعیتی را مورد بررسی قرار دهیم.

## اهداف تحقیق

اهداف این تحقیق بررسی قوانین تابعیت در ایران و ارائه راه حل برای جلوگیری از تابعیت مضاعف از یک طرف و مقایسه قوانین تابعیت در ایران و کانادا از طرف دیگر می باشد. قابل ذکر است از دیگر اهداف این پژوهش بررسی این موضوع است که کانادا با اعطای تابعیت مضاعف به بیگانگان در واقع به منافع سیاسی و اقتصادی خود می اندیشد.

## سوالهای تحقیق

سوال اصلی: آیا قوانین تابعیت در ایران و کانادا یکسان است؟ و به عبارتی راههای اعطاء تابعیت به اتباع بیگانه در ایران و کانادا یکسان است؟

سوالات فرعی:

- ۱- انواع تابعیت در ایران و کانادا کدام است؟
- ۲- طرق جلوگیری از تابعیت مضاعف در قوانین ایران و کانادا چگونه است؟
- ۳- مزایا و معایب تابعیت مضاعف کدام است؟
- ۴- راههای جلوگیری از تابعیت مضاعف کدامند؟

## فرضیه تحقیق

- ۱- به نظر می رسد توجه به مقوله تابعیت در قانون کانادا وسیعتر از نگاه قانون مدنی ایران به تابعیت می باشد.
- ۲- اعطای تابعیت مضاعف توسط کانادا به بیگانگان برای این کشور سودمند است.

## سابقه تحقیق

در ایران در خصوص تابعیت و تابعیت مضاعف تحقیقات مفصلی انجام شده است، اما درباره عنوان این پایان نامه با تحقیقات کمتری مواجه هستیم. بنابراین در این اثر تلاش می‌شود به یافته‌های جدیدی برسیم. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان تحقیقات مزبور را به چند دسته تقسیم کرد: کتب، پایان نامه، مقالات و سایت های اینترنتی.

الف) کتب: مهمترین کتاب‌هایی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده است:

- ۱- بایسته های حقوق بین الملل خصوصی، تالیف دکتر حسین آل کجیاف. انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۸۹.
- ۲- تابعیت در ایران و سایر کشورها، تالیف دکتر حسین آل کجیاف. انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۹۰.
- ۳- حقوق بین الملل خصوصی، دکتر سید نصر... ابراهیمی. انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- ۴- حقوق بین الملل خصوصی، دکتر سید جلال الدین مدنی، گنج دانش، ۱۳۸۵.
- ۵- حقوق بین الملل خصوصی، دکتر بهشید ارفع نیا، چاپ مروی، ۱۳۷۲.
- ۶- حقوق بین الملل خصوصی؛ ارسال خلعتبری، چاپخانه روشنایی، ۱۳۱۶.

## پایان نامه‌ها:

در خصوص موضوع تابعیت و پیرامون آن پایان نامه‌های زیادی نوشته شده که در این تحقیق به اکثر آنها مراجعه شده است که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

- ۱- بررسی تئوری تابعیت در اسلام و نظام‌های حقوق معاصر پایان نامه کارشناسی ارشد که توسط آقای نعمت ... لفت به راهنمایی دکتر نجادعلی الماسی دانشگاه تهران سال ۱۳۷۷ به رشته تحریر درآمده است.
- ۲- تابعیت مضاعف در دادگاه‌های بین المللی پایان نامه کارشناسی ارشد که توسط جواد امام جمعه زاده و به راهنمایی آقای دکتر حسین صفایی دانشگاه امام صادق (ع) سال ۱۳۷۳ به رشته تحریر درآمده است.
- ۳- حمایت دیپلماتیک از اتباع دارای تابعیت مضاعف در روند توسعه تدریجی حقوق بین الملل پایان نامه کارشناسی ارشد که توسط آقای مجتبی دانی و با راهنمایی دکتر سیدباقر عباسی دانشگاه تهران سال ۱۳۸۵ نوشته شده است.
- ۴- تأثیر تابعیت بر احوال شخصیه از لحاظ تعارض قوانین پایان نامه کارشناسی ارشد که توسط آقای علی رضا محمدزاده و با راهنمایی دکتر نجادعلی الماسی دانشگاه تهران سال ۱۳۷۸ نوشته شده است.

## روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان نامه از نوع توصیفی و گردآوری مطالب و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. به منظور گردآوری اطلاعات لازم، علاوه بر مراجعه به کتابخانه‌های متعدد و مطالعه کتب و پایان نامه‌های مرتبط با موضوع و

بهره‌برداری از نظرات صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه به بسیاری از سایت‌های اینترنتی معتبر مراجعه شده است و از مقالات و اسناد منتشر شده توسط این سایت‌ها، اطلاعات لازم استخراج و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

### سازماندهی تحقیق

این تحقیق در ۸ فصل سازماندهی شده است. در فصل اول پیرامون تابعیت و تعاریف تابعیت بحث شده است، که تابعیت را رابطه‌سیاسی، حقوقی و معنوی یک شخص حقیقی و یا حقوقی و یا یک شیء با یک دولت معین تعریف کرده است. در فصل دوم به بررسی تابعیت مضاعف و مسائل اطراف آن پرداخته‌ایم، در این بخش گفته شده که تابعیت مضاعف بدین معناست که شخصی در یک زمان، دارای تابعیت دو کشور متفاوت باشد. بنابراین این اشخاص به علت دارا بودن تابعیت کشورهای متعدد لاجرم دارای منافع و مضراتی خواهند بود.

در فصل سوم، پیرامون راه‌های تحصیل تابعیت در ایران می‌پردازیم. راه‌های کسب تابعیت ایران از دو روش میسر می‌شود. سیستم خون و سیستم خاک روش‌های کسب تابعیت در ایران می‌باشد. در فصل چهارم، نگاهی به کشور کانادا خواهیم کرد. این کشور یکی از بزرگترین کشورهای جهان از لحاظ مساحت است. بیشترین آب شیرین جهان در این کشور قرار دارد. به این کشور لقب کشور مهاجران داده‌اند. در مبحث بعدی نگاهی به راه‌های قانونی و نامتعارف مهاجرت به کانادا می‌کنیم. کشور فدرال کانادا به طرق مختلف (استانی و دولت فدرال) مهاجر و تبعه می‌پذیرند. در فصل ششم و هفتم، در خصوص مقایسه تابعیت ایران و کانادا و راه‌های تحصیل تابعیت ایران از دیدگاه قانون مدنی با راه‌های کسب تابعیت کانادا مطابق قانون تابعیت آن کشور که فراگیر و مختلف است نظر خواهیم کرد. در فصل آخر نیز نگاهی به علل و عوامل اعطاء تابعیت مضاعف به اتباع بیگانه خواهیم کرد. کانادا در اعطاء تابعیت خود دنبال اهداف خاصی می‌باشد، یکی از این اهداف جمع‌آوری و سازماندهی نخبگان جهان سوم برای توسعه و شکوفایی کانادامی‌باشد. گفته شده که ایران بیشترین مهاجران تحصیل کرده جهان را به خود اختصاص داده است.

فصل: اول

تابعیت

## گفتار اول: مقدمه‌ای بر تابعیت

پس از کنگره وستفالی (۱۶۴۸) میلادی که به موجب آن دولت به مفهوم سیاسی و جغرافیایی خویش وارد صحنه بین‌المللی شد، علمای حقوق در مورد تابعیت<sup>۱</sup> به بحث و تبادل نظر پرداختند. از جمله پاسکال مانسینی حقوقدان ایتالیایی طی نطقی در سال (۱۸۵۱) میلادی می‌گوید: «حقوق بین‌الملل حقوقی است بین ملت‌های معین و بین جوامع متحد سیاسی که از طریق عوامل طبیعی و تاریخی از قبیل سرود، نژاد، و از همه مهمتر به وسیله برخورداری از تابعیت واحد متداول است.<sup>۲</sup> از آن تاریخ به بعد مسئله تابعیت جایگاه و اهمیتی خاص در مباحث مربوط به حقوق بین‌الملل پیدا کرد.<sup>۳</sup>

با توجه به اینکه در امر پذیرش تابعیت و یا رد آن دولت‌ها تصمیم گیرنده نهایی هستند و در اعطاء و یا عدم اعطای تابعیت جدید به یک فرد (غیر از افراد کشور خود) مختار می‌باشد؛ تابعیت جزء اعمال حاکمیت یک دولت به شمار می‌رود و از مسائل اساسی یک مملکت بوده و نشانه استقلال و حاکمیت یک ملت است.

دیوان بین‌المللی دادگستری در ذکر اهمیت تابعیت اظهار می‌دارد: «کسب تابعیت را نباید سرسری تلقی کرد. تقاضای تابعیت و کسب آن از اعمال روزمره در زندگی یک فرد نیست، زیرا تغییر تابعیت محمول است بر قطع علقه و برقراری علقه دیگر و چنین عملی متضمن نتایج عمیق و دامنه‌داری در زندگی شخصی می‌باشد».<sup>۴</sup>

دادگاه داوری آمریکا و مصر در سال (۱۹۳۲) میلادی در همین باره اشاره می‌دارد: «حق دادن تابعیت از مظاهر استقلال هر دولت است و هر کشوری حق دارد تعیین کند چه اشخاصی تابع او بوده و یا در چه شرایطی می‌توانند تابعیت او را کسب کنند».<sup>۵</sup>

بنابراین می‌توان گفت تابعیت عبارتست از: «رابطه سیاسی و معنوی که شخص را به دولت معینی مرتبط می‌سازد».<sup>۶</sup> با توجه به مطالب ذکر شده تابعیت اساساً نوعی تقسیم بندی سیاسی-حقوقی و نه جغرافیایی بین افراد است، اگرچه با جغرافیای زندگی فرد و اقامتگاه نیز ارتباط دارد.

مبحث تابعیت یکی از مباحث کلیدی در حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشد، که این واژه در حقوق ایران در دو قرن اخیر رایج شده و مفهوم آن به کیفیتی که در ادامه گفته می‌شود، به همین نسبت جدید می‌باشد.

### ۱. Nationality or Citizenship

<sup>۱</sup> مرکز مطالعات و پژوهش‌های اداری، تابعیت و عوامل موثر در آن، نشریه شماره ۱۴ (سازمان امور اداری و استخدامی کشور، شهریور ۱۳۶۵)، ص ۱۰.

<sup>۲</sup> امام جمعه زاده، جواد، پایان نامه کارشناسی ارشد، تابعیت مضاعف در دادگاه‌های بین‌المللی، دانشگاه امام صادق (ع)، سال ۱۳۷۳، ص ۲.

<sup>۳</sup> رضا فیوضی، مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی، (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲)، ص ۶.

<sup>۴</sup> فیوضی، همان منبع، ص ۶۸.

<sup>۵</sup> امام جمعه زاده، همان منبع، ص ۱.

## گفتار دوم: تعریف تابعیت

داشتن تابعیت یک کشور به معنای آن است که شرایط قانونی تابعیت آن کشور درباره شخص جمع است. به این شکل رابطه تابعیت میان فرد و دولت رابطه‌ای است قانونی که سبب می‌شود فرد در شمار اعضای جمعیت تشکیل دهنده دولت در یک سرزمین محسوب شود. همین معنی در تعریفی که از سوی باتیفول نقل شده است، انعکاس یافته است: تابعیت «تعلق حقوقی شخص به جمعیت تشکیل دهنده دولت» می‌باشد.<sup>۱</sup> این تعریف شامل دارندگان تابعیت اصلی و اکتسابی نیز می‌شود، نیز نشان می‌دهد که شرط تابعیت وجود جمعیتی است که تشکیل آن به تشکیل دولت انجامیده باشد؛ که این جمعیت هم شامل اتباع داخلی و بیگانگان که در یک سرزمین در حدودی که قوانین آن سرزمین اجازه می‌دهد از حقوق بهره‌مند و مطیع قوانین همان سرزمین می‌باشند. منتهی اطاعت آنها نسبت به اطاعت اتباع و حقوق آنها نسبت به حقوق اتباع متفاوت است.

نویسنده اخیر تابعیت را این گونه تعریف می‌کند:

... تابعیت عبارت است از رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی یک شخص حقیقی و یا حقوقی و یا یک شیء با یک دولت معین، بطوری که حقوق و تکالیف وی از همین رابطه ناشی شود.<sup>۲</sup>

مطابق تعریف یکی از آراء دیوان کشور ایران «تابعیت وصف و در عین حال رابطه حقوقی خاص است که شخص را با دولت به مفهوم جامعه سیاسی مرتبط می‌سازد، و جزء عناصر و اوصاف ایجاد کننده حالت یا به تعبیر دیگر موقعیت حقوقی فرد در اجتماع قرار می‌گیرد».<sup>۳</sup> بنا به گفته نی بویه<sup>۴</sup>، حقوقدان فرانسوی، تابعیت نوعی ارتباط سیاسی است که به موجب آن فرد جزء عناصر اساسی و دائمی کشور می‌شود.<sup>۵</sup> حقوقدان دیگری تابعیت را نوعی رابطه حقوقی و سیاسی سیاسی قلمداد نموده که گروهی از افراد را بدون توجه به زبان، نژاد، ملیت و مذهب با یکدیگر متحد ساخته و به کشوری مربوط می‌کند.<sup>۶</sup> "ویس" یکی از دانشمندان علم حقوق بین‌الملل این گونه تابعیت را تعریف کرده است: «تابعیت پیوندی است که شخصی را به ملت معینی مربوط می‌سازد». در تعریف تابعیت، براساس رابطه فرد با دولت و نه ملت اختلاف وجود دارد و بعضی از نویسندگان به دو بعد مختلف داخلی و بین‌الملل تابعیت، پرداخته و چنین بیان نموده اند:

<sup>۱</sup>. ابراهیمی، سید نصر...، حقوق بین‌الملل خصوصی، انتشارات سمت، چاپ اول، ص ۸۴.

<sup>۲</sup>. ابراهیمی، همان منبع، ص ۸۴.

<sup>۳</sup>. ابراهیمی، همان منبع ص ۸۵.

<sup>۴</sup>. ابراهیمی، همان منبع ص ۸۵.

<sup>۵</sup>. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، (انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۶)، ص ۱۳۵.

<sup>۶</sup>. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین‌الملل، (شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵) ص ۷۷.

«تابعیت از بعد بین‌الملل، وسیله تقسیم افراد بین دولت‌های مختلف است و از بعد داخلی انتساب کامل حقوقی شخصی به دولت معینی است»<sup>۱</sup>.

دیوان عالی کشور ایران نیز با تأکید بر وصف حقوقی، تابعیت را چنین تعریف کرده است: «تابعیت وصف و در عین حال رابطه حقوق خاصی است که شخصی را با دولت به مفهوم جامعه سیاسی مرتبط می‌سازد و جزء عناصر و اوصاف ایجاد کننده حالت یا به تعبیر دیگر موقعیت فرد در اجتماع قرار می‌گیرد»<sup>۲</sup>.

برخی دیگر، علاوه بر عنصر سیاسی تابعیت، عنصر قضایی را در تعریف خویش مورد نظر قرار داده‌اند و تابعیت را چنین تعریف کرده‌اند: «تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی و قضایی است که نتیجه آن متصل شدن فردی است به دولتی»<sup>۳</sup>.

در آخر با توجه به تعاریف فوق، تابعیت را علاوه بر روابط حقوقی و سیاسی می‌توان روابط معنوی و اجتماعی را به آن افزود و چنین تعریف کرد:

«تابعیت عبارت از رابطه سیاسی، حقوقی، اجتماعی و معنوی که بین یک شخص حقیقی و یا حقوقی و یک دولت وجود داشته باشد و یا ایجاد گردیده، که هم دولت و هم اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی) را دارای حقوق و تکالیف در قبال یکدیگر می‌سازد»<sup>۴</sup>.

بنابراین تابعیت در لغت به معنای پیرو و فرمانبردار بودن است، و تابع کسی است که عضو جمعیت اصلی یک دولت باشد و به کسی که عضو این جمعیت نباشد، اگرچه مقیم سرزمین آن دولت باشد، بیگانه یا غیر خودی می‌گویند. پس تابعیت نشان دهنده رابطه سیاسی و حقوقی و معنوی هر شخص حقیقی یا حقوقی با دولتی معین است و منشاء حقوق و تکالیف شخص قلمداد می‌شود.<sup>۵</sup>

### گفتار سوم: شرایط تحقق تابعیت

برای تحقق تابعیت وجود دو عنصر ضروری می‌باشد:

(الف) «دولت» که دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و از جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت تشکیل می‌شود.

(ب) «تبعه» یعنی شخصی که تابعیت آن کشور را دارد که ممکن است از اتباع خود دولت و یا بیگانه باشد.

<sup>۱</sup>. آل کجیاف، حسین، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی (۱)، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹، ص ۴۶.

<sup>۲</sup>. همان منبع، ص ۴۷.

<sup>۳</sup>. جعفر نیارکی، حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۸۲.

<sup>۴</sup>. آل کجیاف، همان، صفحه ۴۹.

<sup>۵</sup>. محمود سلجوقی، حقوق بین‌الملل خصوصی، نشر میزان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۴۹.



الف) وجود دولت؛ اولین شرط تحقق تابعیت وجود یک دولتی است که براساس موازین و اصول بین‌المللی شکل گرفته و مورد شناسایی دولت‌های دیگر قرار گرفته باشد. البته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱) سرزمین (قلمرو)<sup>۱</sup>. تعلق افراد به سرزمین معین موجب عضویت افراد در دولت می‌شود. اصولاً دولت‌ها در محدوده سرزمینی خود می‌توانند صلاحیت انحصاری خویش را اعمال کنند. لذا مرزهای هر کشور با توجه به معاهدات و قراردادهای بین‌المللی مشخص می‌شود، بنابراین به شدت از ورود بیگانگان جلوگیری به عمل آمده و به عبارتی ورود و خروج آنها به شدت کنترل می‌شود.<sup>۲</sup>

۲) جمعیت<sup>۳</sup>. گروهی از مردم هستند که در سرزمینی مشخص سکونت داشته، نژاد، مذهب، زبان و آرمان‌های مشترک دارند. همه افرادی که جمعیت یک کشور را تشکیل می‌دهند و اهل آن کشورند، اتباع آن کشور نامیده می‌شوند. البته ممکن است همه ساکنان یک کشور اتباع آن کشور نباشند، جهانگرد، دانشجو و یا تاجر باشند.

۳) حکومت<sup>۴</sup>. نهادی که از طرف جامعه برای متشکل کردن افراد و تدارک قواعد و قوانین ایجاد می‌شود حکومت نام دارد. حکومت ابزار فائده و برای ایجاد نظم و امنیت داخلی و خارجی و تأمین رفاه و سعادت جامعه است.

۴) حاکمیت و استقلال<sup>۵</sup>. حاکمیت نیرویی است خودجوش که از نیروی دیگر بر نمی‌خیزد و قدرت دیگری که بتواند با او برابری کند وجود ندارد. اعمال اراده و اجرای اقتدارش مانعی را نمی‌پذیرد و از هیچ قدرت دیگری تبعیت نمی‌کند. هرگونه صلاحیتی ناشی از اوست، ولی صلاحیت او ذاتی است. لذا حاکمیت قدرتی است حقوقی. یعنی تجلی زور و نیروی خالص نیست، بلکه در قالب نظم عمومی جامعه و از درون آن برآمده است.<sup>۶</sup>

اما معنی استقلال دولت از جنبه داخلی عبارت است از مختار و مستقل بودن دولت در وضع و اجرای قوانین برای اداره کشور و از دیدگاه خارجی عبارت است از عدم سلطه پذیری از هیچ دولت دیگری.

ب) وجود تبعه؛ باید شخصی وجود داشته باشد که تبعه دولت معینی باشد، لذا شخص مزبور می‌تواند حقیقی باشد، یا حقوقی و یا حتی شیء باشد.

---

<sup>۱</sup>. territory

<sup>۲</sup>. ابوالفضل، قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

<sup>۳</sup>. population

<sup>۴</sup>. government

<sup>۵</sup>. sovereignty and independence

<sup>۶</sup>. ابراهیمی، همان منبع، ص ۸۷.

## گفتار چهارم: اصول تابعیت<sup>۱</sup>

اصول یک تابعیت پایه‌های یک تابعیت هستند که از جمع آنها شاهد بوجود آمدن یک تابعیت بدون تعارض خواهیم بود. بنابراین اصول اساسی تابعیت مبتنی بر ۳ اصل است:

### (۱) اصل لزوم

لزوم این اصل از نظر عقل و منطق روشن است، بدین معنی که داشتن یک تابعیت برای هر فرد لازم است. بشر باید در اجتماع زندگی کند و چگونه می‌توان تصور کرد که شخص در جامعه زندگی کند ولی به هیچ کدام از اجتماعات بستگی نداشته باشد، پس چنانچه معلوم نباشد که شخص به کدام یک از اجتماعات بستگی دارد و تبعه چه کشوری است برای او وضع غیر عادی پیش می‌آید یعنی وضع حقوق و تکالیف آن شخص در جامعه روشن نمی‌باشد و در بسیاری از موارد مانند ازدواج، تنظیم سند، طلاق، ارث و ... که بایستی بر اعمال او حکومت کند معلوم نخواهد بود. زیرا تا تابعیت فردی را ندانیم که به کدام دولت و نظام سیاسی متعلق است نمی‌توانیم قانون آن دولت را در مواردی که قانون اجازه می‌دهد درباره او اعمال نمائیم.<sup>۲</sup>

کسانی که دارای تابعیت‌اند نه تنها در کشور خود از وضعی ثابت و روشن برخوردارند، بلکه در جامعه بین‌المللی هم به لحاظ آنکه دولت متبوع آنها حامی آنهاست و از وضعی مشخص بهره‌مند می‌باشند و امور راجع به آنها را دولت متبوع آنها عهده دار می‌گردد، به این مناسبت نظم بین‌المللی مانند نظم داخلی ایجاب می‌کند شخص دارای تابعیتی باشد. بازتاب نظم بین‌الملل در قانونگذاری‌های داخلی در این باره بدین گونه است که هر دولت با وضع انواع قاعده‌ها کوشش می‌کند تا آنجا که میسر می‌باشد، برای کسانی که در قلمرو او می‌باشند، تابعیت در نظر گرفته شود.<sup>۳</sup>

اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) میلادی اعلام می‌دارد که هیچ فردی نباید بدون دلیل و خودسرانه از حق تابعیت محروم شود و کنواسیون وضعیت پناهندگان (۱۹۵۱) میلادی کنواسیون وضعیت اشخاص بی‌تابعیت (۱۹۵۴) میلادی و کنواسیون تقلیل بی‌تابعیتی (۱۹۶۱) میلادی می‌گویند که هر فردی حق داشتن یک تابعیت را دارد.

### نتایج حاصله از اصل لزوم تابعیت

**الف) هر فرد به محض تولد باید تبعه دولت معینی باشد؛**

---

<sup>۱</sup>. Nationality Principles

<sup>۲</sup>. خلعتبری، ارسلان، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، چاپخانه روشنایی، ۱۳۱۶، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۱.

<sup>۳</sup>. سلجوقی، محمود، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸، ص ۶۲.

همین که طفلی متولد شد، قهراً تابعیت دولتی به او تحمیل می‌شود. این قانون اجماعی است و امروزه تقریباً همه دولت‌ها این امر را پذیرفته اند.<sup>۱</sup>

ب) هیچ کس نمی‌تواند تابعیت خود را از دست بدهد، بدون اینکه تابعیت دولت دیگری را تحصیل کرده باشد؛ بشر که زندگی اجتماعی‌اش از حقوق و تکالیف درست شده است، چگونه می‌توان بدون رابطه سیاسی با دولتی یعنی بدون تابعیت باشد. این قضیه چنین نتیجه می‌دهد که هرگاه شخصی بخواهد در دوران حیاتش تابعیتی را رها کند، بایستی تابعیت دولت دیگری را تحصیل کند، یعنی تابعیت باید پیوسته باشد و افراد ناگزیرند که همواره با دولتی از لحاظ سیاسی مرتبط باشد. تابعیت منقطع در جامعه غیر عادی تلقی می‌شود؛ در برابر این اصل کسانی یافت می‌شوند که بی‌تابعیت‌اند یعنی در شمول قواعد تابعیت هیچ کدام از کشور نمی‌گنجد به بیان دیگر: شرایط قانونی تابعیت هیچ کشوری درباره آنها جمع نیست. به این گونه اشخاص «آپاترید» گفته می‌شود. پدید آمدن حالت بی‌تابعیتی، به گفته لاگارد، نتیجه «خصلت منحصرأ ملی قانونگذاری درباره تابعیت» می‌باشد، و در عمل نتیجه عوامل گوناگون است، مانند درخواست ترک تابعیت و موافقت دولت با آن و عدم توفیق در تحصیل تابعیت جدید، یا سلب تابعیت به عنوان مجازات.<sup>۲</sup>

## ۲- اصل وحدت تابعیت

همانطور که شخص آپاترید (بی‌تابعیت) در یک وضع غیر عادی قرار گرفته است؛ کسی هم که دارای بیش از یک تابعیت است وضع غیر عادی دارد. زیرا تابعیت منشاء حق و تکلیف می‌باشد و آن وقت از یک طرف برخورداری از حقوق و مزایای اتباع دو دولت ظالمانه بوده و از طرف دیگر بسیار دشوار است که شخصی بتواند تمام تکالیف خود را نسبت به دو دولت ایفا نمایند، مخصوصاً اگر تکلیف خدمت نظام وظیفه، پرداخت مالیات و شرکت در جنگ باشد.

داشتن تابعیت مضاعف سبب ایجاد تقابل و تضاد میان دولت‌های متبوع شخص می‌شود و این امر با نظم بین‌المللی به ویژه از حیث تقسیم جغرافیایی اشخاص میان دولت‌ها ناسازگار است و نیز دولت‌ها درباره آن دسته از اتباع خود که دارای تابعیت دولت دیگر نیز می‌باشند، نمی‌توانند نظر مساعد داشته‌باشد و هر دولت از دید قواعد بین‌المللی مجاز است تابعیت خارجی این گونه اتباع خود را نادیده بگیرد و آنها را فقط تبعه خود بداند. اما وضعیت غیر عادی تابعیت یعنی تابعیت مضاعف در موارد زیر محقق می‌شود:

---

<sup>۱</sup>. امام جمعه زاده، همان منبع، ص ۲.

<sup>۲</sup>. سلجوقی، همان منبع، ص ۶۳ و ۶۴.

۱- اختلاف طرز تفکر دولتها درباره تحصیل تابعیت، از آنجا که هر دولت با توجه به مصالح خود سیستم خاک یا خون و یا ترکیب آنها را اعمال می‌کند، فلذا تابعیت مضاعف ایجاد می‌شود.

۲- شخص با حفظ تابعیت قدیمش تابعیت جدید به دست می‌آورد.

۳- ازدواج: هرگاه مملکت متبوعه زن تابعیت اصلی را برای او حفظ کند و مملکت متبوعه شوهر تابعیت شوهر را به زن تحمیل نماید در این موارد تابعیت مضاعف رخ می‌دهد.

۴- اشغال نظامی.

در خصوص تابعیت مضاعف در فصول بعدی بطور مفصل بحث و بررسی خواهیم کرد.

### ۳) اصل تغییر پذیری تابعیت

حق تغییر تابعیت از این امر سرچشمه می‌گیرد، که دیده شده رضایت فرد در تمکین از دولتی معین تا چه پایه در صلح و ثبات و پیشرفت یک جامعه بین‌المللی موثر است. اینکه کسی می‌تواند در دوران کنونی تابعیت یک دولت را، به اراده خود، ترک کند و تابعیت دولت دیگر را بپذیرد نتیجه تحول‌هایی است که از قرن (۱۹) میلادی در حقوق فرد در برابر دولت پدید آمده و خود، گذشته از علل و عوامل دیگر، از این شناخت سرچشمه گرفته که دیده شده:

رضایت فرد در تمکین از دولتی معین تا چه پایه در صلح و ثبات و پیشرفت یک جامعه حتی بین‌المللی موثر است. بنابراین امروزه تابعیت فرد نسبت به دولت، مانند روزگاران گذشته، به معنای انقیاد مطلق و همیشگی نسبت به دولت است.<sup>۱</sup>

### گفتار پنجم: تاریخچه تابعیت

هرچند قواعد کنونی تابعیت در یکی، دو قرن گذشته ایجاد شده‌اند، ولی رابطه بین افراد و دولت یک مسئله قدیمی که از دوران گذشته هم وجود داشته است و به طرق مختلف بین افراد و دولت‌ها روابطی ایجاد گردیده و این روابط ممکن است مبتنی بر بومی بودن فرد بوده باشد. مثلاً در دولت-شهرهای کوچک یونان باستان عامل پیوند با دولت بومی بودن فرد بوده است چرا که اهالی هر جمهوری، در جمهوری‌های دیگر بیگانه تلقی می‌شدند، هرچند همه آنان در اصل «یونانی بودن» مشترک بودند.<sup>۲</sup>

در برخی از کشورهای کوچک، که غالباً جمعیت آن کشور را یک قوم خاص تشکیل می‌داده‌اند روابط بین دولت و افراد براساس قومیت تعیین می‌شده‌است. ولی در کشورهای بزرگ و امپراطوری‌های ایران و روم که جمعیت آنها از افراد،

<sup>۱</sup>. سلجوقی، همان منبع، ص ۶۵.

<sup>۲</sup>. آل کجفاف، همان منبع، ص ۳۹.